فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۰۸-۱۸۵

باورهای علمی و مسئولیت اجتماعی در بحران کرونا: تحلیل رابطه باور به علم و مشارکت در مدیریت بحران (مطالعه دو گروه دانشگاهی و حوزوی)

مژگان غفارزاده نمازی[۱]، دکتر محمدحسین اسدی داوودآبادی[۲]، دکتر علی روشنایی[۳]

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۳۱

چکیده:

همه‌گیری کووید-۱۹ پیوند میان سواد علمی، اعتماد اجتماعی و اقدام جمعی را برجسته ساخت. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین باور به علم و مشارکت در مدیریت بحران، با تمرکز بر مقایسه دو جامعه دانشگاهی و حوزوی در ایران انجام شده است. تحقیق به روش پیمایشی و با نمونه‌گیری از ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر از هر گروه) در سال ۱۳۹۹ صورت گرفت. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با تخصیص متناسب با حجم استفاده شده است؛ بدین صورت که جامعه به دو طبقه (حوزویان و دانشگاهیان) تقسیم شده و از هر طبقه نمونه‌ای هدفمند انتخاب شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۹۴ بود. چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از جامعه‌شناسی معرفت مارکس، کارکردگرایی ساختاری پارسونز و اخلاقیات علمی مرتون بود تا تقابل این دو گروه را در زمینه تنش‌های ساختاری جامعه ایران تحلیل کند. یافته‌ها نشان داد که سرمایه فرهنگی در میان دانشگاهیان، رفتارهای مبتنی بر شواهد را تقویت کرده، در حالی‌که حوزویان با تکیه بر سرمایه نمادین دینی، بحران را در چارچوب گفتمان «تقدیر الهی» تفسیر می‌کردند. نتایج همچنین نشان‌دهنده همبستگی مثبت معنادار میان باور به علم و مشارکت در مدیریت بحران در هر دو گروه است، هر چند پایبندی دانشگاهیان به اقدامات علمی بیشتر بود. در عین حال، بینش‌های دینی در میان حوزویان، انگیزه‌های مذهبی (همچون اخلاق دینی) را به‌عنوان مکملی برای مشارکت اجتماعی تقویت می‌کرد.

مفاهیم کلیدی: *کووید-۱۹، باور به علم، مسئولیت اجتماعی، مدیریت بحران، جامعه دانشگاهی، جامعه حوزوی*

---

[۱] دانشجو دکتری جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران mojgan.ghaffarzadeh@ aiau.ac.ir

[۲] گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران (نویسنده مسئول)
0532035259@ aiau.ac.ir

[۳] گروه جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران ali_roshanaei@aiau.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

در جوامع معاصر، بروز بحران‌های اجتماعی یکی از چالش‌های اساسی پیش روی نهادهای حکمرانی و مدیریت عمومی به شمار می‌رود. بحران‌هایی همچون بلایای طبیعی، بیماری‌های همه‌گیر، ناآرامی‌های اجتماعی یا حتی بحران‌های اقتصادی، آزمونی برای ظرفیت‌های نهادی، فرهنگی و علمی جوامع محسوب می‌شوند. در این میان، شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۸ و تداوم آن در سال‌های بعد، به‌عنوان یکی از فراگیرترین بحران‌های معاصر، نه تنها نظام سلامت جهانی را به چالش کشید، بلکه پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی بر جای گذاشت.

مدیریت بحران‌هایی از این دست، نیازمند همگرایی منابع مختلف دانشی و معرفتی است. در این میان، دو نهاد مرجع در جامعه ایرانی-نهاد دانشگاه و نهاد حوزه ـ نقش برجسته‌ای در تولید معنا، هدایت افکار عمومی و مشارکت در سیاست‌گذاری و اقناع اجتماعی دارند. باور به علم، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در مدیریت عقلانی و مبتنی بر شواهد بحران‌ها، در کنار مشارکت‌پذیری فعال نخبگان، می‌تواند به شکل‌گیری انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی در شرایط بحرانی یاری رساند. از سوی دیگر، نهاد دین و نخبگان حوزوی نیز در فرهنگ دینی جامعه ایران دارای جایگاهی راهبردی در بسیج منابع فرهنگی و تقویت حس همبستگی در مواقع بحرانی هستند.

در این میان، تفاوت‌ها یا شباهت‌های موجود میان دانشگاهیان و حوزویان در مواجهه با بحران کرونا، از حیث میزان باور به علم و نحوه مشارکت‌پذیری در فرآیند مدیریت بحران، مسأله‌ای است که نیاز به بررسی تجربی دارد. این پژوهش در تلاش است با رویکردی مقایسه‌ای، به واکاوی نحوه مواجهه این دو گروه با بحران کرونا در شهر تهران بپردازد و از این رهگذر، الگوهای متفاوت یا مشابهی از مواجهه معرفتی، رفتاری و مشارکتی را برجسته سازد.

همه‌گیری کووید-۱۹ چالش‌های بی‌سابقه‌ای را ایجاد کرد که مستلزم اقدامات منسجم اجتماعی مبتنی بر شواهد علمی بود. با این حال، سطوح متفاوت اعتماد به علم و نظام‌های ارزشی گوناگون، بر پایبندی عمومی به دستورالعمل‌های سلامت تأثیر گذاشتند.

بحران جهانی کووید-۱۹ نه تنها یک چالش بهداشتی، بلکه آزمونی برای همبستگی اجتماعی و اعتماد به نهادهای علمی بود. در این میان، رفتار جوامع در مواجهه با بحران، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله باورهای معرفتی و نظام‌های ارزشی شکل گرفت. در ایران، دو نهاد دانشگاهی (مبتنی بر گفتمان علم مدرن) و حوزوی (متکی بر اخلاق و تعالیم دینی) نقش محوری در هدایت افکار عمومی ایفا کردند. با این حال، پرسش اصلی این است: آیا باور به علم

و مشارکت در مدیریت بحران، به ویژه در جوامعی با ترکیب ارزش‌های علم‌محور و دین‌محور، رابطه معناداری دارد؟ چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک بین گروه‌های دانشگاهی و حوزوی بر سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بحران‌ها تأثیر می‌گذارد؟

در مجموع، این پژوهش با تحلیل رابطه بین باور به علم و مسئولیت اجتماعی در دو گروه دانشگاهی و حوزوی، نه تنها به درک بهتر رفتارهای جمعی در بحران کووید-۱۹ کمک می‌کند، بلکه الگویی برای مدیریت بحران‌های آینده در جوامعی ارائه می‌دهد که در تقاطع گفتمان‌های علمی و دینی قرار دارند. چنین مطالعه‌ای برای ایران، با ترکیب منحصربه‌فرد نهادهای دینی و علمی، هم از نظر علمی نوآورانه است و هم از نظر عملی ضروری.

بررسی این موضوع می‌تواند شناخت عمیق‌تری از ظرفیت‌های موجود در جامعه نخبگانی کشور برای مواجهه با بحران‌های آتی ارائه دهد و به سیاست‌گذاران در طراحی راهبردهای اثربخش بهره‌گیری از سرمایه علمی و فرهنگی یاری رساند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی و خارجی در قالب جدول ذیل ارائه شده است.

پژوهشگر *Researcher*	سال پژوهش *Research Year*	نتایج پژوهش *Research Results*
آگامبن	(۲۰۲۰)	رویکرد آگامبن به همه‌گیری جهانی ویروس کرونا به خوبی از عنوان نخستین مقاله منتشر شده وی تحت عنوان «اختراع یک اپیدمی» قابل مشاهده است. در نوشته‌های آگامن مفاهیم آزادی، قدرت سیاسی و ترس برجسته هستند. آگامن توضیح می‌دهد که چگونه قدرت‌های سیاسی از پدیده پاندمی کووید ۱۹ برای محدود کردن آزادی‌های فردی و اجتماعی و گسترش سیطره و کنترل بیشتر خود بهره می‌برند. در چنین شرایطی دولت‌ها به دنبال آن هستند تا با در نظر گرفتن منافع خود رویه‌هایی را که به نفع انهاست حفظ کنند و به تریج حالات استثناء را به روالی دائمی تبدیل کنند. او همچنین به مفهوم ترس اشاره می‌کند و مجددا ترس و به دنبال آن نیاز به ایمنی را ساخته و پرداخته حکومت‌ها می‌داند.
هورتون	(۲۰۲۰)	ژیژک را می‌توان اولین فیلسوف و نظریه‌پردازی دانست که به‌طور جدی به موضوع جهان درگیر با کرونا توجه کرده و نظرات و بازتاب‌های زیادی را عرضه کرده است. در همین زمینه او گفتگویی جهانی را درباره مواجهه ما وضعیت ناشی از پاندمی

پژوهشگر *Researcher*	سال پژوهش *Research Year*	نتایج پژوهش *Research Results*
		کووید ۱۹ آغاز کرده که همچنان ادمه دارد. ژیژک علاوه بر بعد بیولوژیکی پدیده، به در نظر گرفتن گزینه‌های فرهنگ انسانی، اقتصاد، تجارت جهانی، روابط بین‌الملل و ساز و کار ایدئولوژیک ترس و وحشت تاکید می‌کند. در ترسیم جهان پیش‌رو به این موضوع می‌پردازد که حتی اگر کل فاجعه تمام شود، خیلی چیزها ادامه می‌یابد. اژیژک در تبیین و توضیح پیامدها و آثار دنیای درگیر با پاندمی ویروس کووید-۱۹ به این نکته اشاره می‌کند که «حتی حوادث وحشتناک می‌توانند پیامدهای مثبت غیرقابل پیش‌بینی داشته باشند» و از جامعه جایگزینی صحبت می‌کند که موجب «همبستگی و همکاری جهانی می‌شود» از جمله به شکل‌گیری نوعی شبکه بهداشت جهانی که همه جوامع را پوشش می‌دهد اشاره می‌کند. نمی‌توان انتظار داشت ویروسی که بر نوع و نحوه ارتباط ما با اشیاء و محیط تاثیر می‌گذارد روابط و تعملات انسانی را در نظام اجتماعی را متاثر نکرده است.
تانجا کریملینگ، کریستل شوگمان ـ ویزلز	(۲۰۱۷)	نتایج نشان می‌دهد مشابه با آزمایشات منفرد و عفونت در یک رده سلولی تنفسی خوک به دست آمد. باز هم تیترهای پایین در گروه‌های عفونت مشترک، دخالت دو ویروس *RNA* را نشان داد. این مطابق با آزمایشات داخل بدن است و پاسخ‌های ایمنی ذاتی سلول‌های *PRCoV* و *SIV* را نشان می‌دهد که قادر به محدود کردن حدت و بیماری‌زایی ویروس‌ها هستند.
سلگی	(۱۳۹۹)	بحران ویروس کرونا و بیماری عالَم‌گیرِ کووید ۱۹ رویدادی اضطراری است که وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای جوامع و دولت‌ها ایجاد کرده و باعث به وجودن آمدن وضعیتی شده است که برای مقابله با آن به اقدامات اساسی و جدید نیاز است. اما این بحران، علاوه بر حامل معنی «خطر» است، محمل «فرصت» نیز خواهد بود ـ کرونا نشانگر یک مانع، آسیب، ضایعه و تهدید است و درعین‌حال فرصتی برای رشد یا افول، زمانی برای آزمایش تاب‌آوری سیستم‌ها، جوامع و دولت‌هاست.
معیدفر	(۱۳۹۹)	معیدفر به سراغ برساخت مسئله اجتماعی رفته و در بخشی از نوشته خود آورده است: برای تبدیل بحران کرونا به مسئله اجتماعی اولین گام، بیان واقعیت‌های موجود درباره آن و شناختن اهمیت آن است، همان‌طور که هست یا اینکه گام بعدی برای تحقق مسئله اجتماعی پدیده کرونا، اشتراک ذهنی

پژوهشگر	سال پژوهش	نتایج پژوهش
Researcher	*Research Year*	*Research Results*
		نسبت به آن در میان سیاست‌مداران، نخبگان و مردم است همچنین پذیرش این مطلب است که کرونا مانند دیگر پدیده‌ها حل‌شدنی است
فاضلی	(۱۳۹۹)	نعمت‌الله فاضلی هم درباره «مردم‌نگاریِ کرونای ایرانی» نوشته است. او در فرازی از مطلب خود یادآور شده است: «بحران کرونا مسائل بنیادی جامعه ایران را نیز تشدید کرد و آن‌ها را در جلو چشم دوربین‌ها، مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی قرار داد. فقر و بیکاری در نتیجه تعطیلی بنگاه‌ها و مراکز اقتصادی، شدت و گستردگی زیادی پیدا کرد. همچنین مسائل زنان نیز به‌ویژه بحث خشونت‌های خانگی، سلامت زنان، تنش‌های خانواده و مسائل برآمده از قرنطینه خانگی هر روز بیشتر می‌شد.»
خانیکی	(۱۳۹۹)	دور از هم و در کنار هم؛ تصویری از شبکه‌ای شدن ارتباطات کرونایی»، عنوان مقاله هادی خانیکی است. او در بخشی از اثر خود آورده است: «ویروس "نوپدید" کووید ۱۹ و "عالم‌گیری" آن، هر فهم و تجربه پیشینی را در معرض تغییراتی پرشتاب و دراز دامن قرار داده است. کرونا، انسان‌ها را به درون و به خانه‌هایشان تبعید کرده، اما در تعطیلی و تعلیق روابط اجتماعی، بار دیگر نیاز و اشتیاق آنان را به "ارتباط" با یکدیگر برانگیخته است. تنهایی در یک سو و میل فراوان به ارتباط در سوی دیگر، مسئله مهم و این‌زمانی عالم ارتباطات در وضعیت کنونی شده است.»
گیلوایی	(۱۳۹۹)	مقاله حسن محدثی گیلوایی هم حول موضوع «کرونا و برخی باورهای دینیِ سنتی» می‌چرخد. او در قسمتی از نوشتار خود نوشته است: «تا قبل از این واقعه، توده دین‌دار در شفادهندگی این مراکز (مراکز دینی و اماکن مقدس) تردید نمی‌کرد. اما بعد از اپیدمی کرونا بحث درباب شفادهندگی این مراکز با انتقال بیماری از طریق زیارت آن‌ها بالا گرفت. در سطح عوام، برخی اقدام به لیسیدن این مکان‌های مقدس کردند تا نشان دهند که از این مراکز نباید بیمی به خود راه داد. اما در سطح روحانیان و عالمان دینی نیز تفسیرهای جدیدی مطرح شد و برخی از کارگزاران دینی کوشیدند باور به شفابخشی مراکز مقدس را با باور به لزوم رعایت قواعد و اصول بهداشتی همساز نشان دهند.

پژوهشگر *Researcher*	سال پژوهش *Research Year*	نتایج پژوهش *Research Results*
سعیدی	(۱۳۹۹)	علی‌اصغر سعیدی هم در بخشی از نوشتار «سیاست و زندگی با ویروس کرونا» آورده است: «وقوع این بحران، سیاست‌گذاری سلامت و بهداشت را دچار تحولی اساسی خواهد کرد. از یک‌سو، برساختگی اجتماعی بیماری، همچنان وجود خواهد داشت و تا نابرابری‌های اجتماعی وجود دارند امکان تمرکز صرف بر سیاست‌های بالینی در نظام سلامت به کنترل بیماری‌ها نمی‌انجامد، اما ازسوی دیگر، چاره‌ای جز تمرکز بر سیاست‌های کنترل‌کننده بیماری‌های همه‌گیر نخواهد بود.»
ربانی خوراسگانی	(۱۳۹۹)	ربانی خوراسگانی پیامدهای ناشی از کرونا در حوزه جامعه شناسی را از دیدگاه بزرگان و متفکران جامعه شناسی مورد بحث و بررسی قرار داده است. او ضمن اشاره به دامنه جهانی و هم‌گیر ویروس کرونا معتق است:«کرونایک مسئله اجتماعی بسیار شریر است که همه بشریت را درگیر خود کرده دارای ابعاد گسترده است و از همین رو نیاز به سرمایه اجتماعی قوی داریم تا مواجهه بهتری با آن داشته باشیم». ربانی خوراسگانی توضیح می‌دهد در شرایط بحرانی داشتن هرچه سرمایه اجتماعی در جامعه در سطح بالاتری باشد، امکان مهار و کنترل مشکلات و مقابله با آن بیشتر می‌شود و برای مثال میزان اعتماد در سطوح مختلف اجتماعی را عامل مهمی در مواجهه با مشکلات می‌داند. به‌طوری که هر چه سطح اعتماد درون‌گروهی، بین‌گروهی و سرمایه اجتماعی پیوندی بیشتر باشد کنترل پیامدهای نامطلوب بهتر انجام می‌شود و در غیر اینصورت اثرات مخربی را شاهد خواهیم بود. خوراسگانی همچنین در تبیین بعد بین‌الملل بیماری به چگونگی شکل‌گیری اصطلاح خطر زرد و خشونت‌های خیلی سنگین نسبت به چینی‌ها اشاره می‌کند. او همچنین به شکل‌گیری نظم نوین جهانی اشاره می‌کند. خوراسگانی پدیده کرونا را آزمونی الهی می‌داند و معتقد است برای حل مشکلات ناشی از آن باید در کنار مواجهه علمی و پزشکی با مسئله نگاهی الهیاتی نیز داشه باشیم.
استادیان	(۱۳۹۹)	استادیان در طرحنامه‌ای ضمن پیشنهاد حوزه‌های مطالعه و پژوهشی مختلف در ارتباط با بیماری کرونا، حضور فعالانه عالمان و پژوهشگران و اندیشه‌ورزی در این حوزه را ضروری می‌داند. او آثار و پیامدهای کرونا را بسیار گسترده می‌داند که

پژوهشگر *Researcher*	سال پژوهش *Research Year*	نتایج پژوهش *Research Results*
		این پیامدها زندگی روزمره مردم را درگیر کرده و بر روابط اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی آنها تأثیر گذاشته است. وی همچنین تأثیر بیماری را بر حیات دینی جامعه، آموزش و تعلیم رسمی، ابعاد بین‌المللی مسئله، اقتصاد و ابعاد حقوقی آن را مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر استادیان اتخاذ منش جهادی در فرایند مقابله با آثار و پیامدهای بیماری کرونا و ورود فعالانه حوزه‌های علمیه، عالمان دینی و دانشگاه‌های علوم انسانی به مسئله در حل مشکلات راهگشا خواهد بود
میرزائی و رحمانی	(۱۳۹۹)	مسئله مورد توجه میرزایی و رحمانی در مقاله «نگاهی به هشتگ در خانه می‌مانیم» این است که چگونه می‌توان بین توصیه‌ها و دستورات پزشکی و بهداشتی و رفتار و عمل مردم پیوند ایجاد کرد به گونه‌ای که بیشترین هماهنگی و همنوایی حاصل شود. آنچه در این میان بر چگونگی عمل به توصیه‌های مهارکننده یا پیشگیرانه و کنترل کننده تأثیر می‌گذارد نحوه ادراک افراد از پیام‌های ارائه شده است که در نهایت با وجود اطلاع از پیام‌ها عده‌ای به آن عمل نمی‌کند یا به شیوه خاص خود به آن عمل می‌کنند. هر چند باید عوامل دیگری را نیز در این زمینه مدنظر داشت برای مثال در مورد عمل به توصیه‌های مربوط به قرنطینه و ماندن در خانه یا فاصله‌گذاری اجتماعی؛ مسائل اقتصادی و وجود زیرساخت‌های مناسب و موردنیاز نیز تعیین‌کننده هستند.
میرزایی	(۱۳۹۹)	میرزایی معتقد است «شیوع این بیماری در نتیجه تعامل‌های نامناسب انسان با طبیعت بوده است که به واسطه تماس‌های حاصل از مدرنیته به ویژه حمل و نقل در جهان گسترش پیدا کرده است و احتمال طراحی و شیوع آن در آزمایشگاه‌های انسانی ضعیف یا حتی بعید است. این ویروس احتمالا تغییرات بنیادینی را در سطح جهانی، ملی و محلی در حوزه‌های گوناگونی موجب خواهد شد و احتمالاً یک تغییر انگاره‌ای منتج خواهد شد که در آن، انگاره علمی نقطه ارجاع خواهد بود». میرزایی ضمن بررسی فرضیه‌های مطرح شده درباره شیوع ویروس و نقش دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ در آن، این احتمالات را رد کرده و این ویروس را حاصل تعامل نادرست انسان با طبیعت می‌داند و اصلاح آن را ضروری می‌داند.

مطالعات پیشین عمدتاً بر جوامع غربی متمرکز بوده و نقش همزمان علم و دین در بحران‌هایی مانند کووید-۱۹ را نادیده گرفته‌اند. این خلأ پژوهشی به ویژه در بافت فرهنگی ایران، که در آن نهادهای دینی و علمی هر دو نفوذ گسترده‌ای دارند، نیاز به بررسی عمیق‌تر را آشکار می‌سازد. پژوهش‌های پیشین درباره رابطه علم و مسئولیت اجتماعی، عموماً جوامع سکولار یا تک‌بُعدی را بررسی کرده‌اند. مطالعه تطبیقی دانشگاهیان و حوزویان در ایران، به‌عنوان نمونه‌ای از تعامل پیچیده علم و دین، بینشی نو به ادبیات جهانی اضافه می‌کند. سیاست‌های مدیریت بحران در ایران، به‌ویژه در حوزه سلامت، اغلب با چالش پذیرش عمومی روبه‌رو شده‌اند. شناسایی انگیزه‌های متفاوت گروه‌های دانشگاهی و حوزوی (مثلاً اعتماد به علم در مقابل التزام به اخلاق دینی) به طراحی پیام‌های متناسب با هر گروه کمک می‌کند. درک اشتراکات و تفاوت‌های این دو گروه، زمینه‌ای برای گفت‌وگوی علمی ـ دینی فراهم می‌آورد تا در بحران‌های آینده، پاسخ‌های منسجم‌تر و پذیرفته شده‌تری شکل گیرد.

چارچوب نظری پژوهش

این تحقیق بر اساس مفاهیم «باور به علم»، «مشارکت‌پذیری» و «مدیریت بحران اجتماعی» پی‌ریزی می‌شود. چارچوب نظری تحقیق، شامل تحلیل‌های مختلف در خصوص این سه مفهومی است که در بحران کرونا مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، اهمیت رسانه‌ها، سواد علمی و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی در بحران کرونا نیز به‌عنوان بخش‌های تکمیلی مورد توجه قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری پژوهش: تقابل علم، ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی در مدیریت بحران

این پژوهش با ترکیب نظریه‌های جامعه‌شناسی معرفت، کارکردگرایی ساختاری و سرمایه‌ای نمادین، چارچوبی بین رشته‌ای برای تحلیل تقابل حوزویان و دانشگاهیان در بحران کرونا ارائه می‌دهد.

جامعه‌شناسی معرفت: علم به مثابه ابزار قدرت (مارکس و دورکیم)

از منظر مارکس، علم در جوامع سرمایه‌داری به مثابه «ابزار ایدئولوژیک» عمل می‌کند که همزمان هم رهایی‌بخش است و هم استثمارگر (*Marx, 1990: 284*). در بحران کرونا، دانشگاهیان با تکیه بر گفتمان علمی، خواستار عقلانیت ابزاری بودند، در حالی که برخی حوزویان این گفتمان را بازتابی از ایدئولوژی لیبرال ـ سکولار می‌دانستند که هویت دینی را

تهدید می‌کند (*Weber, 1993:156*). از سوی دیگر، دورکیم با تأکید بر ریشه‌های مذهبی مفاهیم علمی، استدلال می‌کند که علم مدرن با زدودن «اجزای اتفاقی» از معرفت دینی و جایگزینی روح نقادانه، می‌کوشد عینیت خود را حفظ کند (*Durkheim, 1995:432*). این فرایند در بحران کرونا با مقاومت نهادهای دینی مواجه شد، چرا که بازنگری مستمر پروتکل‌های بهداشتی ـ مبتنی بر «شک سازمان‌یافته» (*Merton, 1973:270*)، از سوی حوزویان به‌عنوان «بی‌ثباتی علم» تفسیر گردید.

کارکردگرایی ساختاری: بحران‌های سه‌گانه پارسونز

پارسونز بحران‌ها را ناشی از اختلال در چهار کارکرد اصلی سیستم اجتماعی می‌داند: «تطبیق»، «تحقق اهداف»، «همبستگی» و «حفظ الگوها» (*Parsons, 1951:76*). در بحران کرونا، این چارچوب سه سطح بحران را در ایران آشکار ساخت:

- بحران هویت (اقتصادی: تنش بین نیاز به تعطیلی اماکن مقدس (تطبیق با واقعیت‌های علمی) و مقاومت نهادهای دینی در حفظ کارکردهای نمادین.

- بحران عقلانیت (سیاسی ـ اداری: تضاد بین توزیع واکسن بر پایه شواهد علمی و اولویت‌بندی‌های ایدئولوژیک.

- بحران انگیزش (اجتماعی ـ فرهنگی: کاهش اعتماد عمومی ناشی از تقابل گفتمان‌های علمی («واکسن اثربخش است») و دینی («تقدیر الهی بر بیماری حاکم است»).

اخلاقیات علمی مرتون و نقض هنجارهای نهادی

مرتون با معرفی چهار هنجار علمی: «عام‌گرایی»، «اشتراک دانش»، «شک سازمان‌یافته» و «بی‌غرضی»، استدلال می‌کند که نقض این اصول، علم را به ابزار قدرت تبدیل می‌کند (*Merton, 1973:267*).

در بحران کرونا:

- «نقض عام‌گرایی»: حوزویان با استناد به فتواها، اولویت‌های بهداشتی را تحت‌الشعاع قرار دادند (مثلاً مخالفت با تعطیلی حرم‌ها).

- نقض اشتراک دانش: دانشگاهیان با طبقه‌بندی برخی داده‌های پژوهشی (مانند آمار مرگ و میر)، شفافیت را کاهش دادند.

- نقض شک سازمان‌یافته: برخی حوزویان بازبینی پروتکل‌ها را نشانه «ضعف علم» دانستند، در حالی که دانشگاهیان انتقادات دینی را ناشی از «جهل» تلقی کردند.

سرمایه‌های نمادین و میدان‌های قدرت (بوردیو)

بوردیو استدلال می‌کند که «سرمایه فرهنگی» (مانند تحصیلات دانشگاهی) و «سرمایه نمادین» (مانند اقتدار دینی) در «میدان‌های قدرت» رقابت می‌کنند (*Bourdieu, 1984: 125*).

در بحران کرونا:

- دانشگاهیان با تکیه بر سرمایه فرهنگی (استناد به مقالات علمی) می‌کوشیدند گفتمان مسلط را شکل دهند.

- حوزویان با استفاده از سرمایه نمادین (فتواها و خطبه‌ها) به بازتعریف بحران در چارچوب گفتمان دینی («آزمون الهی») پرداختند. این تقابل، بازتابی از رقابت می‌دانه‌ای «علم» و «دین» برای هژمونی در فضای اجتماعی ایران بود.

جامعه‌شناسی دین وبر: علم در برابر اخلاق دینی

وبر در تحلیل رابطه دین و جامعه، بر تعامل متقابل عقلانیت ابزاری (علم) و عقلانیت ارزشی (دین) تأکید می‌کند (*Weber, 1993:215*). در بحران کرونا، دانشگاهیان با تکیه بر عقلانیت ابزاری (مثلاً مدل‌سازی‌های اپیدمیولوژیک)، در تقابل با عقلانیت ارزشی حوزویان (تفسیر بحران به مثابه «تذکر الهی») قرار گرفتند. این تقابل، روشنفکری علمی و روحانیت دینی را در دو سوی یک میدان نبرد ایدئولوژیک قرار داد.

این چارچوب نظری با تلفیق رویکردهای کلاسیک و معاصر، تحلیل چند سطحی از تقابل حوزویان و دانشگاهیان در بحران کرونا ارائه می‌دهد و نقش ساختارهای اجتماعی، ایدئولوژی، و سرمایه‌های نمادین را در شکل‌دهی به باور به علم و مشارکت‌پذیری روشن می‌سازد.

باور به علم و مدیریت بحران

باور به علم بازتاب اطمینان به روش‌های تجربی و تخصص نهادهای علمی است. در دوران همه‌گیری، چنین اعتمادی پیش‌بینی‌کننده پایبندی به دستورالعمل‌هایی مانند استفاده از ماسک و واکسیناسیون است (*Alum & et. al., 2008*). در مقابل، شک‌گرایی علمی اغلب با پذیرش اطلاعات نادرست مرتبط است (*Van Der Linden, 2015*).

اخلاق دینی و تکلیف اجتماعی

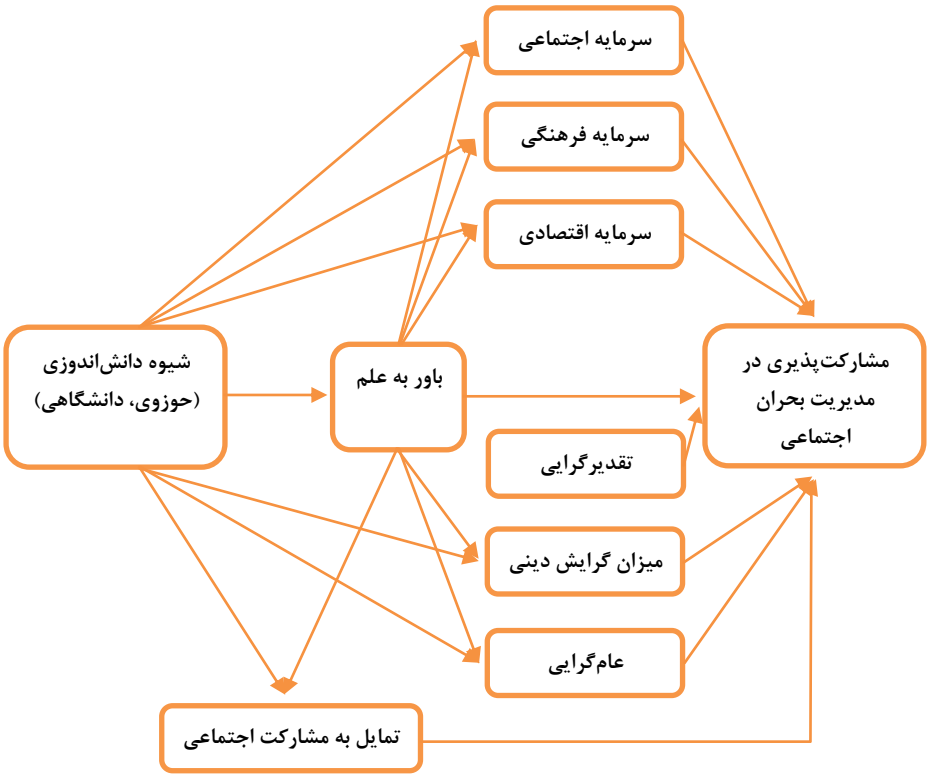
جامعه‌های مذهبی ممکن است رفاه جمعی را در چارچوب‌های الهیاتی (مانند اصل «حفظ نفس» در اسلام) در اولویت قرار دهند. گروه‌های حوزوی حتی در صورت تردید نسبت به علم، ممکن است از طریق نوع‌دوستی دینی در مدیریت بحران مشارکت کنند (*Difranza & et. al., 2020*).

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: باور به علم، پیش‌بینی‌کننده مثبت مشارکت در مدیریت بحران است.

فرضیه ۲: ارتباط بین باور به علم و مشارکت در بحران در گروه دانشگاهی قوی‌تر از گروه حوزوی است.

مدل تجربی پژوهش



روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و نمونه‌گیری از ۴۰۰ نفر (۲۰۰ حوزوی و ۲۰۰ دانشگاهی) در سال ۱۳۹۹ انجام شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی ـ طبقه‌ای بر اساس سن، جنسیت و سطح تحصیلات بوده است. داده‌ها با ابزار پرسشنامه محقق ساخته (پایایی ۰/۸۹۴=α) جمع‌آوری و با نرم‌افزار *SPSS* و آزمون استقلال یا همبستگی تحلیل شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه از نخبگان فکری در شهر تهران است:

۱. حوزویان: پژوهشگران علوم دینی و طلاب سطوح عالی حوزه‌های علمیه تهران.

۲. دانشگاهیان: استادان، اعضای هیئت علمی و دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف (فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری) دانشگاه‌های تهران.

هر دو گروه، افرادی هستند که به نحوی با امور فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه درگیر بوده و در معرض چالش‌های ناشی از بحران کرونا در سال ۱۳۹۹ قرار گرفته‌اند.

حجم نمونه

چون امکان مطالعه همه افراد جامعه آماری عملاً وجود ندارد، بنابراین حجم نمونه مورد مطالعه ما در این تحقیق از فرمول زیر (فرمول کوکران) محاسبه می‌شود. گفتنی است حجم نمونه محاسبه شده با حجم نمونه ذکر شده در جدول مورگان ـ کرجسی یکسان است.

در این تحقیق با فرض حداکثر واریانس در نمونه ($p = q = \frac{۱}{۲}, s^۲ = pq = ۰/۲۵$) فاصله اطمینان ۹۵درصد و خطای قابل قبول ۵ درصد حجم نمونه از فرمول زیر محاسبه شد.

فرمول حجم نمونه کوکران برای جامعه محدود (متناهی).

$$n = \frac{Nt^{۲}_{۱-\frac{\alpha}{۲}} s^{۲}}{(N-۱)d^{۲} + t^{۲}_{۱-\frac{\alpha}{۲}} s^{۲}} \approx ۳۵۱$$

d=۰/۰۵ N= ۸۷۲۹۶۴

α=۱ ۰۵/۰= α=۰/۹۵ $\frac{\alpha}{۲}$=۰/۰۲۵ $۱-\frac{\alpha}{۲}$=۰/۹۷۵ $t_{./۹۷۵}$≈۱/۹۶

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با تخصیص متناسب با حجم[1] استفاده شده است؛ بدین‌صورت که جامعه به دو طبقه (حوزویان و دانشگاهیان) تقسیم شده و از هر طبقه نمونه‌ای هدفمند انتخاب شده است.

برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شد. با در نظر گرفتن جامعه‌ای نامحدود و ضریب اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۵ درصد، حجم نمونه برای هر گروه حدود ۲۰۰ نفر محاسبه شد. در مجموع، حجم نمونه برابر با ۴۰۰ نفر (۲۰۰ حوزوی و ۲۰۰ دانشگاهی) تعیین شد. بنابراین برای سنجش وضعیت باور به علم و مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی کرونا از روش پیمایشی که یکی از کارآمدترین و معمول‌ترین شیوه‌های تحقیق در علوم اجتماعی است، بهره‌گرفته شده است و بر این اساس با افراد نمونه مصاحبه شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: ضریب همبستگی شیوه دانش‌اندوزی با سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تقدیرگرایی، عام‌گرایی، گرایش دینی، مشارکت‌پذیری

Table 1: *Correlation Coefficient of Knowledge Acquisition Style with Social, Economic, Cultural Capital, Fatalism, Universalism, Religious Orientation, and Participation*

نام متغیرها (شاخص)	آزمون و سطح آن	۱	۲	۳	۴	۵	۶
Variable Name (Indicator)	*Test and its Level*	*1*	*2*	*3*	*4*	*5*	*6*
شیوه دانش‌اندوزی	ضریب همبستگی	۱					
	سطح معنی‌داری	.					
سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۳۴۸**	۱				
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	.				
تقدیرگرایی	ضریب همبستگی	۰/۳۳۲**	۰/۴۳۲**	۱			
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.			
عام‌گرایی	ضریب همبستگی	۰/۲۵۸**	۰/۴۱۶**	۰/۶۱۵**	۱		
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.		
گرایش دینی	ضریب همبستگی	۰/۱۹۶**	۰/۲۶۵**	۰/۴۹۸**	۰/۳۸۸**	۱	

[1] stratified porportional to size

نام متغیرها (شاخص)	آزمون و سطح آن	۱	۲	۳	۴	۵	۶
Variable Name (Indicator)	*Test and its Level*	*1*	*2*	*3*	*4*	*5*	*6*
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.	
مشارکت‌پذیری	ضریب همبستگی	۰/۳۱۸**	۰/۴۱۴**	۰/۵۴۵**	۰/۵۰۱**	۰/۵۳۸**	۱
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	.

** معنی‌داری آزمون در سطح ۱ درصد

ضریب همبستگی باور به علم و سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۰/۲۹۱ و سطح معنی‌داری آن (P =۰/۰۰۰<۰/۰۱) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین باور به علم و سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی باور به علم و تقدیرگرایی ۰/۴۵۳ و سطح معنی‌داری آن (P =۰/۰۰۰<۰/۰۱) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین باور به علم و تقدیرگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی باور به علم و عام‌گرایی ۰/۳۵۶ و سطح معنی‌داری آن (P =۰/۰۰۰<۰/۰۱) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین باور به علم و عام‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی باور به علم و گرایش دینی ۰/۲۷۲ و سطح معنی‌داری آن (P= ۰/۰۰۰<۰/۰۱) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین باور به علم و گرایش دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی باور به علم و مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران‌های اجتماعی ۰/۳۵۸ و سطح معنی‌داری آن (P= ۰/۰۰۰<۰/۰۱) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین باور به علم و مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی باور به علم با سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تقدیرگرایی، عام‌گرایی، گرایش دینی، مشارکت‌پذیری

Table 2: *Correlation Coefficient of Belief in Science with Social, Economic, Cultural Capital, Fatalism, Universalism, Religious Orientation, and Participation*

نام متغیرها (شاخص)	آزمون و سطح آن	۱	۲	۳	۴	۵	۶
Variable Name (Indicator)	*Test and its Level*	*1*	*2*	*3*	*4*	*5*	*6*
باور به علم	ضریب همبستگی	۱					
	سطح معنی‌داری						
سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۲۹۱**	۱				
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰					
تقدیرگرایی	ضریب همبستگی	۰/۴۵۳**	۰/۴۳۲**	۱			
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				
عام‌گرایی	ضریب همبستگی	۰/۳۵۶**	۰/۴۱۶**	۰/۶۱۵**	۱		
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
گرایش دینی	ضریب همبستگی	۰/۲۷۲**	۰/۲۶۵**	۰/۴۹۸**	۰/۳۸۸**	۱	
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
مشارکت‌پذیری	ضریب همبستگی	۰/۳۵۸**	۰/۴۱۴**	۰/۵۴۵**	۰/۵۰۱**	۰/۵۳۸**	۱
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

** معنی‌داری آزمون در سطح ۱ درصد

همان‌طور که در دو جدول فوق نیز مشاهده می‌شود بین متغیرهای واسطه‌ای رابطه خطی و مستقیمی وجود دارد که عبارتند از:

ضریب همبستگی سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی ۰/۴۱۴ و سطح معنی‌داری آن (۰/۰۱>۰/۰۰۰ =P) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی تقدیرگرایی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی ۰/۵۴۵ و سطح معنی‌داری آن (۰/۰۱>۰/۰۰۰ =P) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین تقدیرگرایی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی عام‌گرایی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی ۰/۵۰۱ و سطح معنی‌داری آن (P= ۰/۰۰۰<۰/۰۱) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین عام‌گرایی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ضریب همبستگی گرایش دینی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی ۰/۵۳۸ و سطح معنی‌داری آن (P= ۰/۰۰۰<۰/۰۱) است. بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین گرایش دینی و میزان تمایل به مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل چند متغیره (رگرسیون چندمتغیره)

برای بررسی همزمان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران‌های اجتماعی)، از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام[1] استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که در مدل نهایی پنج متغیر وارد معادله شدند که در مجموع ۳۱.۱ درصد از واریانس مشارکت‌پذیری را تبیین می‌کنند (R^2=۰/۳۱۱)، (R =۰/۵۵۸). ترتیب ورود متغیرها به مدل بر اساس قدرت پیش‌بینی به شرح زیر بود: باور به علم، سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تقدیرگرایی، عام‌گرایی، و گرایش دینی.

بر اساس ضرایب استاندارد (β) و آزمون t، بیشترین تأثیر مربوط به متغیر باور به علم (β=۰/۲۲۸) و کمترین تأثیر مربوط به گرایش دینی (β=۰/۰۹۲) بود که همگی در سطح معناداری ۵ درصد قابل قبول بودند. نتایج تحلیل واریانس نیز نشان داد که مدل خطی حاصل، از برازندگی مناسبی برخوردار است (P<۰/۰۰۱، F=۳۷/۵۴۹).

معادله خط رگرسیون به صورت زیر ارائه می‌شود:

مشارکت‌پذیری = ۴۳.۹۶۹ + (۰.۵۸۱ × باور به علم) + (۰.۶۰۵ × سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی) + (۰.۶۶۰ × تقدیرگرایی) + (۰.۴۱۱ × عام‌گرایی) + (۰.۳۰۵ × گرایش دینی)

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که باور به علم و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، قوی‌ترین پیش‌بین‌های مشارکت‌پذیری هستند و تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء مشارکت اجتماعی در مدیریت بحران‌ها ایفا کند.

[1] stepwise

تحلیل یافته‌ها

رابطه باور به علم و مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران

- ضریب همبستگی مثبت (۰/۳۵۸): این یافته با مطالعاتی مانند آلوم و همکاران (۲۰۰۸)، همسو است که نشان می‌دهد اعتماد به علم، پیش‌بینی‌کننده مهمی برای پایبندی به دستورالعمل‌های بحران است. باور به علم به‌عنوان یک نظام معرفتی مبتنی بر شواهد، افراد را به اتخاذ رفتارهای عقلانی (مانند رعایت پروتکل‌ها) سوق می‌دهد. این همسو با نظریه عقلانیت ابزاری وبر است که علم را ابزاری برای حل مسائل عملی می‌داند.

نقش گرایش دینی و تقدیرگرایی در مشارکت

- ضریب همبستگی قوی با مشارکت (تقدیرگرایی: ۰/۵۴۵؛ گرایش دینی: ۰/۵۳۸): این نتایج با پژوهش دیفرانزا و همکاران (۲۰۲۰)، تناقض ظاهری دارد که بی‌اعتمادی مذهبان به دولت را عامل کاهش مشارکت می‌دانست. اما در بافت ایران، تفسیر دینی از «حفظ جان» (مبتنی بر فقه شیعه) ممکن است مشارکت را تقویت کند. بر اساس نظریه سرمایه نمادین بوردیو، نهادهای دینی می‌توانند با تبدیل اخلاق به «تکلیف اجتماعی»، مشارکت را به یک ارزش مقدس تبدیل کنند.

عام‌گرایی و سرمایه‌های اجتماعی ـ فرهنگی

- همبستگی عام‌گرایی با مشارکت (۰/۵۰۱): عام‌گرایی (تأکید بر منافع جمعی) با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام مرتبط است که شبکه‌های اعتماد را شرط لازم برای اقدام جمعی می‌داند.

- سرمایه فرهنگی و مشارکت (۰/۴۱۴): افراد با سرمایه فرهنگی بالاتر (مانند تحصیلات) بهتر می‌توانند اطلاعات علمی را پردازش کنند و نقش فعال‌تری در بحران ایفا نمایند. این یافته با پژوهش روتینز و همکاران (۲۰۱۸) درباره ارتباط سواد علمی و مشارکت همخوانی دارد.

تقدیرگرایی: پارادوکس یا مکمل؟

- همبستگی مثبت تقدیرگرایی با مشارکت (۰/۵۴۵): اگر چه تقدیرگرایی در نظریه‌های کلاسیک (مانند وبر) به‌عنوان مانعی برای کنش عقلانی دیده می‌شود، اما در این مطالعه،

ممکن است بازتابی از «توکل فعال» در گفتمان دینی باشد؛ یعنی باور به تقدیر الهی، همراه با مسئولیت انسانی برای اقدام.

۱. تقاطع علم و دین: یافته‌ها نشان می‌دهد باور به علم و گرایش دینی لزوماً در تقابل نیستند، بلکه در بافت فرهنگی ایران می‌توانند به‌عنوان مکانیسم‌های مکمل برای تقویت مشارکت عمل کنند.

۲. سرمایه‌ها به‌عنوان واسطه: سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نقش واسطه‌ای در تقویت رابطه بین باورهای معرفتی (علمی/دینی) و مشارکت ایفا می‌کنند.

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از آن است که پنج عامل «باور به علم»، «سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی»، «تقدیرگرایی»، «عام‌گرایی» و «گرایش دینی» از جمله مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت‌پذیری در مدیریت بحران‌های اجتماعی هستند. در این میان، باور به علم و سرمایه‌های اجتماعی/فرهنگی بیشترین نقش را در تبیین مشارکت‌پذیری ایفا می‌کنند. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتقاء نگرش علمی، تقویت سرمایه‌های اجتماعی و کاهش باورهای جبری می‌تواند به افزایش مشارکت‌پذیری فعال در سطح جامعه، به‌ویژه در مدیریت شرایط بحرانی، بینجامد. با توجه به مدل برازنده به دست آمده و سطح بالای معناداری ضرایب، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی بیش از پیش به نقش عوامل شناختی و فرهنگی در تقویت مشارکت اجتماعی توجه نمایند.

مدل پیشنهادی

- مسیر علمی: باور به علم ⟶ افزایش سواد بحران‌محور ⟶ مشارکت.
- مسیر دینی: گرایش دینی ⟶ تکلیف اخلاقی ⟶ مشارکت.

تفسیر رابطه علم ـ مسئولیت

اگر چه هر دو گروه باور به علم را با اقدام در بحران مرتبط می‌دانستند، همبستگی قوی‌تر در دانشگاهیان با هویت معرفت‌شناختی آنها همسو است. مشارکت حوزویان، اگر چه کمتر، از اخلاق الهیاتی نشأت می‌گرفت که نشان‌دهنده انگیزه‌های چندگانه است.

پیامدهای سیاستی

- درگیر کردن رهبران دینی در ارتباطات علمی برای کاهش بی‌اعتمادی.

- سفارشی‌سازی پیام‌ها: تأکید بر همسویی دستورالعمل‌های علمی با اصول دینی (مانند معرفی واکسن به‌عنوان «نعمت الهی»).

در مجموع، این مطالعه نشان می‌دهد باور به علم و اخلاق دینی به‌صورت ناهمگون، مشارکت در مدیریت بحران را تقویت می‌کنند. سیاست‌گذاران باید گفت‌وگو بین نهادهای علمی و دینی را ترویج دهند تا پاسخ‌های تاب‌آور و فراگیر به بحران‌های آینده شکل گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های کلیدی این پژوهش نشان داد که باور به علم در دوران بحران کرونا ارتباط معناداری با مشارکت اجتماعی در مدیریت بحران دارد. این رابطه مستقیم بوده و از طریق متغیرهای واسطه‌ای محوری مانند سرمایه فرهنگی، گرایش دینی، تقدیرگرایی و مشارکت‌پذیری تسهیل می‌شود. به‌عبارت دیگر، افراد دارای سرمایه فرهنگی بالاتر ـ به سبب دسترسی گسترده‌تر به منابع علمی و مهارت‌های تفکر نقاد ـ توان و تمایل بیشتری برای مشارکت فعال در اقدامات مقابله‌ای از خود نشان دادند. در مقابل، گرایش‌های دینی قوی‌تر بر نحوه تفسیر پیام‌های علمی اثر می‌گذاشت؛ به گونه‌ای که برخی افراد با گرایش مذهبی بالا، یافته‌های علمی را در چارچوب باورهای دینی خود معنا می‌کردند. همچنین، افرادی که دیدگاه تقدیرگرایانه قوی‌تری داشتند، انگیزه کمتری برای مشارکت فعال نشان دادند. نهایتاً، مشارکت‌پذیری (آمادگی فرد برای پیوستن به فعالیت‌های جمعی) عاملی کلیدی بود که در افزایش مشارکت مدنی در هر دو گروه نقش مؤثری ایفا کرد.

از منظر مقایسه‌ای، افراد دانشگاهی نسبت به گروه حوزوی دارای سرمایه فرهنگی و سواد علمی بالاتری بودند که این امر موجب باور مستحکم‌تر آنان به توصیه‌های علمی و مشارکت فعال‌تر در مدیریت بحران شد. در مقابل، افراد گروه حوزوی گرایش مذهبی و نگاه تقدیرگرایانه قوی‌تری داشتند که گاهی منجر به تردید یا تأخیر در پذیرش توصیه‌های صرفاً علمی می‌شد. با وجود این تفاوت‌ها، هر دو گروه از پیام مشترکی از مسئولیت اجتماعی اثر پذیرفتند؛ یعنی در هر دو گروه باور به اهمیت همکاری جمعی تقویت شد و مشارکت‌پذیری به عنوان پیش‌شرط اصلی کنش جمعی شناخته گردید.

مطالعه غفارزاده نمازی و همکاران (۱۴۰۰)، نیز تفاوت معناداری میان دانشگاهیان و حوزویان در مقیاس‌های علم‌باوری و سرمایه اجتماعی یافته بود. نتایج پژوهش حاضر تا حد زیادی با این یافته‌ها همخوانی دارد؛ اما با تأکید بر مشارکت اجتماعی و متغیرهای واسطه‌ای متعدد، چارچوب تحلیلی جامع‌تری را ارائه می‌کند. از منظر نظری، تلفیق همزمان مؤلفه‌های

فرهنگی، مذهبی و روان‌شناختی در بررسی رابطه میان باور به علم و مسئولیت اجتماعی نکته‌ای نوآورانه است؛ همچنین از نظر روش‌شناختی، مقایسه همزمان دو گروه متمایز و استفاده از روش‌های تحلیلی پیشرفته (مانند مدل‌های معادلات ساختاری) امکان شناسایی دقیق مکانیزم‌های واسطه‌ای را فراهم کرده است. در مجموع، یافته‌های این پژوهش بر تعامل پیچیده علم و دین در شرایط بحرانی تأکید دارند و نشان می‌دهند که درک عمیق‌تر این تعامل می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی مؤثری برای مواجهه با بحران‌های آینده باشد.

پیشنهادهای کاربردی

- سیاست‌گذاران فرهنگی: تدوین برنامه‌های فرهنگی و آموزشی که به‌طور هم‌افزا گفتمان علمی و مبانی دینی را در بر گیرد، ضروری است. به همین منظور توصیه می‌شود کارگاه‌ها و همایش‌های مشترکی با حضور علمای دینی و دانشمندان علوم تجربی برگزار شود تا تبادل دانش و برداشت‌های فرهنگی از علم ترویج یابد. همچنین، با ایجاد مراکز و پایگاه‌های رسانه‌ای میان‌رشته‌ای، باید محتوای آموزشی چندرسانه‌ای تولید شود که هم مبانی علمی را تبیین کند و هم از زبان و انگیزه‌های دینی برای جذب مخاطبان بهره ببرد.
- نهادهای مدیریت بحران: تهیه پیام‌ها و اطلاع‌رسانی‌های مرتبط با بحران کرونا هم‌زمان بر پایه دلایل علمی و ملاحظات دینی ضروری است. در این راستا، می‌توان برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی مشترکی با مشارکت کارشناسان علمی و علما ترتیب داد تا اصول بهداشتی در قالب وظایف اخلاقی و دینی نیز تبیین شود. به‌طور کلی، پاسخگویی منطقی به پرسش‌های مخاطبان مختلف از طریق محتواهای چندرسانه‌ای و آموزش نیروهای آموزشی (مانند معلمان و روحانیون) تأثیر زیادی بر جلب اعتماد عمومی دارد.
- برنامه‌ریزان آموزشی: ادغام مفاهیم سواد علمی و سواد دینی در برنامه‌های آموزشی اهمیت فراوان دارد. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها و حوزه‌ها دوره‌های آموزشی مشترکی برای دانشجویان و طلاب طراحی کنند که ضمن آموزش روش‌های تفکر علمی و آمادگی برای مدیریت بحران، بر ارزش‌های اخلاقی و دینی نیز تأکید داشته باشد. همچنین، برگزاری دوره‌های تربیت مدرس برای استادان و مبلغان در خصوص سواد علمی و مدیریت بحران می‌تواند به اثربخشی بیشتر پیام‌های آموزشی منجر شود.
- استفاده هم‌زمان از گفتمان علمی و دینی: تمام فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و فرهنگی در بحران باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که علم و دین را به‌عنوان دو رکن تکمیل‌کننده یکدیگر

نشان دهند. برای مثال، توصیه‌های بهداشتی مانند استفاده از ماسک یا واکسیناسیون را می‌توان با ارجاع به تکالیف اخلاقی و دینی (مثلاً خدمت به همنوعان) توجیه کرد. انتشار محتوای رسانه‌ای مشترک با حضور شخصیت‌های علمی معتقد و روحانیان متعهد نیز می‌تواند زمینه را برای پذیرش بهتر راهکارهای علمی و تقویت حس مسئولیت اجتماعی فراهم کند.

ارتقای سواد علمی و دینی و کاهش شکاف معرفتی: در درازمدت، برگزاری دوره‌های آموزشی عمومی درخصوص مفاهیم پایه علمی (مانند سازوکار واکسن و اصول پیشگیری) و مبانی دینی (مانند وظیفه اخلاقی همکاری اجتماعی) می‌تواند به هم‌گرایی شناختی افراد منجر شود. تهیه بسته‌های آموزشی مشترک برای مدارس و حوزه‌های علمیه و راه‌اندازی پویش‌های رسانه‌ای بین‌فرهنگی از جمله اقدامات مؤثر در کاهش شکاف‌های معرفتی و ارتقای سواد جمعی است.

References:

Bourdieu, P. (2005). Forms of Capital in Social Capital: Trust, Democracy and Development, Azkian Taj Bakhsh, translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pouyan, Tehran: Shirazeh Publications. (Persian).

DeFranza, D. & et. al. (2022). "Religious Community Behavior During a Pandemic: How Faith and Altruism Drove Health Compliance", Psychology of Religion and Spirituality, 14(1), 115–126.

Fazeli, N. (2020). Iranian Corona Ethnography, Corona and Iranian Society, Cultural and Social Aspects (Collection of Articles), Institute for Culture, Arts and Communications. (Persian).

Khaniki, H. (2020). Far from Each Other and Together; A Picture of the Networking of Corona Communications, Corona and Iranian Society, Cultural and Social Aspects (Collection of Articles), Culture, Art and Communication Research Institute. (Persian).

Merton, R.K. (1977). "Insiders and Outsiders a Chapter in the Sociology of Knowledge", American Journal of Sociolgy,the University of Chicago press, P.38.

Mirzaei, H.; Rahmani, J. (2021). A Look at the Hashtag "We Stay at Home": The Gap Between People's Understanding and the Crisis Headquarters in a Slogan, Essays on the Cultural and Social Aspects of the Coronavirus in Iran, https://www.msrt.ir. (Persian).

Mirzaei, Kh. (2020). "Causes and consequences of the coronavirus pandemic - COVID-19", Quarterly Journal of Social Impact Assessment, No. 2, May 2020. (Persian).

Moaidfar, S. (2020). Corona: An Opportunity to Construct a Social Issue, Corona and Iranian Society, Cultural and Social Aspects (Collection of Articles), Institute for Culture, Arts and Communications. (Persian).

Mohaddisi Gilvaei, H. (2020). Corona: Some Traditional Religious Beliefs, Corona and Iranian Society, Cultural and Social Aspects (Collection of Articles), Institute for Culture, Arts and Communications. (Persian).

Plohl, N., & Musil, B. (2021). "Modeling compliance with COVID-19 prevention guidelines: The critical role of trust in science", Psychology, Health & Medicine, 26(1), 1-12.

Rabbani Khorasgani, A. (2020). Corona from the Perspective of Sociological Elders and Thinkers/The Term Chinese Virus Refers to the History of the Danger of the Yellow Race and Heavy Violence, Isfahan Science and Technology News Agency http://stnews.ir. (Persian).

Rafipour, F. (2010). "The Conflict of Scientific and Religious Rationality in Corona Management: A Case Study of Iran", Social Sciences Quarterly, 27(3), 51-78. (Persian).

Ranjbar, F. (2021). "Discourse Analysis of Media Exposure to Corona in Iran", Communications Quarterly, 32(2), pp. 115-136. (Persian).

Salgi, M. (2020). Corona and Iranian Society, Cultural and Social Aspects (Collection of Articles), Institute for Culture, Arts and Communications. (Persian).

Van Der Linden, S. (2022). "The conspiracy effect: Exposure to conspiracy theories reduces intentions to engage in politics and to reduce one's carbon footprint", Psychological Science, 33(1), 3–14.

World Health Organization (WHO). (2020). "Managing the COVID-19 infodemic: Promoting healthy behaviours and mitigating the harm from misinformation and disinformation", (WHO Report), (https://www.who.int/news-room/ detail/ 23-09-2020- managing-the-covid-19 -infodemic).

Scientific Beliefs and Social Responsibility in the Corona Crisis: Analysis of the Relationship between Belief in Science and Participation in Crisis Management (Study of two Academic and Seminary Groups)

Mojgan Ghafarzadeh Namazi[1], *Mohammad Hossein Asadi Davoodabadi (Ph.D)*[2]
Ali Roshanaei (Ph.D)[3]

DOI: 10.22055/QJSD.2026.49822.3079

Abstract:

The COVID-19 pandemic highlighted the interconnection between scientific literacy, social trust, and collective action. This study aims to examine the relationship between belief in science and participation in crisis management, focusing on a comparative analysis of two groups in Iran: the academic (university) community and the religious (seminary) community. The research was conducted using a survey method with a sample of 400 participants (200 from each group) in 2020. A stratified sampling method with proportional allocation was employed, dividing the population into two strata (seminarians and academics), and a purposive sample was selected from each stratum. Data were collected using a researcher-made questionnaire with a Cronbach's alpha of 0.894. The theoretical framework of the study integrated Marx's sociology of knowledge, Parsons' structural functionalism, and Merton's scientific ethos to analyze the structural tensions between the two groups within Iranian society. Findings revealed that cultural capital among university participants promoted evidence-based behaviors, whereas seminarians, relying on religious symbolic capital, interpreted the crisis through the lens of "divine destiny". The results also indicated a significant positive correlation between belief in science and participation in crisis management in both groups, although academics demonstrated a stronger commitment to scientific approaches. Meanwhile, religious insights among seminarians reinforced religious motivations (such as ethical values) as complementary factors in promoting social participation.

***Key Concepts**: COVID-19, Belief in Science, Social Responsibility, Crisis Management, Academic Community, Religious Seminary Community*

[1] PhD Student in Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran, mojgan.ghaffarzadeh@ aiau.ac.ir
[2] Sociology Department, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran (Corresponding Author), 0532035259@ aiau.ac.ir
[3] Sociology Department, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran, ali_roshanaei@aiau.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).